

آزادسازی دولت از تصدی‌های غیر ضرور

دکتر غلامحسین عبیری

می‌خواهند از روزمرگی فاصله بگیرند و شرایط توسعه نهاد را بر مبنای نوآوری و خلاقیت پایه‌گذاری نمایند. به عبارت ساده‌تر، بین عملیات صف و ستاد فاصله‌ای را قابل می‌شویم که با آزادسازی نیروهای صف به اجرا پرداخته و نیروهای ستاد به تحول و بازنگری در فرآیند استفاده مطلوب از امکانات می‌پردازند. بخش دیگری از این مهم، انتقال آندسته از وظایف به بخش خصوصی یا مردم است که با حفظ سطح رفاه عمومی و انگیزه برای رفاه بیشتر مردم، دولت از تصدی‌های غیر ضرور فاصله گرفته و در حوزه‌های حراست از مرزها، دفاع از مردم در برابر بی‌عدالتی و انجام امور عمومی یا تشکیل نهادها، فعالیت‌های خود را متمرکز سازد.

منطق آزادسازی، تعیین جایگاه دولت و بازار است. A. Smith (۱۷۷۶) به عنوان پدر علم اقتصاد و بنیانگذار مکتب کلاسیک‌ها و معتقد به دست نامرئی، بازار را یک مکانیسم طبیعی برای تخصیص منابع و مناسب‌ترین الگوی تقسیم کار می‌دانست.

امروز برداشت P.H. Warhane (۱۹۹۱) از کتاب ثروت ملل آدام اسمیت این است که ایده‌آل اسمیت آزادی اقتصادی جهانی در چارچوب قانون و عدالت بر طبق نظم طبیعی است^(۲). از قرن هفده و هیجده تاکنون مکاتب مختلف زیر تاریخ عقاید اقتصادی را طی طریق نموده و مکاتب سوداگری و طبیعیون را پشت سر گذاشته‌اند^(۳).

ملاحظه می‌کنید که اقتصاد نوین از جایگاه دولت و بازار برای ایجاد ثبات و رفاه عمومی بهره می‌گیرد. فرض اصلی مکتب نیوکلاسیک حداکثر سود برای تولید کننده و حداکثر رفاه برای مصرف کننده است. اقتصاد رفاه نیوکلاسیک دولت را یک نیروی برونزا (Exogenous Force) فرض می‌کند. اقتصاد سیاسی نیوکلاسیک سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت را منعکس کننده علایق درونی جامعه به شمار می‌آورد. فرض اصلی اقتصاد نیوکلاسیک فرض وجود نهادهای رقابت کامل است، در حالیکه اقتصاد سیاسی نیوکلاسیک ثبات چنین تعادلی را زیر سؤال می‌برد^(۴).

دسترس بود، لذا تا آنجا که امکان داشت، تلاش شد تا مطالب به اختصار و در حد لازم تنظیم شود تا مورد استفاده و نقد و بررسی صاحب‌نظران قرار گیرد. شرکت‌کنندگان در این سخنرانی که از نهادهای دولتی مختلف و عضو شورای تحول می‌باشند، خود نیز درگیر مسایل تصمیم‌گیری در خصوص شناخت تصدی‌های غیر ضرور و روان‌سازی حرکت هستند، لذا تجربه آنها روند سخنرانی را برای رسیدن به هدف‌گاه تسهیل می‌کرد و در مواردی نیز با مشکل روبه‌رو می‌ساخت.

امیدوارم طی این نوشتار، هنجارها و ناهنجاری‌های ممکن را گام به گام و مورد به مورد بازنگری کنیم تا نتایج بدست آمده فرآیند مطلوب‌تری از اندیشه آزادسازی را به شما خواننده محترم منتقل سازد.

نگاهی به آزادسازی

آزادسازی یا Liberalization به معنی مقررات‌زدایی و حرکت به سوی خصوصی‌سازی و بازار آزاد به منظور استفاده بهینه از منابع، به ویژه سرمایه‌های مادی و معنوی، زیرساخت اصلی فرآیند توسعه است. جوهر اصلی آزادسازی، آزادی است. آزادی، سرمایه ملی است، لذا باید در نگهداری و حفظ آن بکوشیم. آزادسازی در معنی مترادف با مفاهیم زیر است:

- مدیریت غیر متمرکز.

- سیاست عدم مداخله.

- انسان، محور توسعه.

- مقررات‌زدایی.

- احترام به حقوق مالکیت معنوی.

ملاحظه می‌کنید که در هر یک از عبارات فوق آزادسازی راه‌گشای فضای مدیریت اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی بشمار می‌رود. این بنگاه‌ها می‌توانند در ابعاد خرد نهاد خانواده و شرکت‌های خصوصی و در ابعاد کلان نیز دولت را شامل شوند.^(۱) از اینرو آزادسازی از تصدی‌های غیر ضرور^(۲) اهم مناسبی برای کلیه نهادهایی به شمار می‌رود که

اشاره

با خبر شدیم که مرکز مدیریت دولتی استان تهران در جهت آزادسازی دولت از تصدی‌های غیر ضرور گامی را برداشته و همکار ما دکتر عبیری نیز سخنران جلسه‌ای در همین رابطه بوده است. بنابراین، از ایشان خواستیم که با برخورداری از پشتوانه‌های تحقیقی خود مطلبی را در این زمینه تهیه کنند. ایشان نیز طبق روال همیشگی، این خواسته را پاسخ گفتند و با وجود محدودیت زمانی که داشتند، این مطلب را برای این شماره آماده کردند. امیدوارم که این حرکت گامی مثبت در جهت شناخت نقش مؤسسات آموزشی در اصلاح ساختار دولت به شمار آید.

بانک و اقتصاد

مقدمه

دولت در ساختار توسعه اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه، مسوولیت بزرگی را عهده‌دار شده و طی پنجاه سال گذشته به روش‌های مختلف سعی در اصلاح امور داشته است. اما آنچه امروز با آن روبه‌رو هستیم، گواه این نکته است که نه تنها امر توسعه تحقق نیافته، بلکه فاصله کشورهای توسعه یافته و جهان سوم روز بروز بیشتر شده است.

آزادسازی در دهه گذشته محوری‌ترین موضوع مورد توجه دولت‌ها و گردانندگان مؤسسه‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی بوده و هست. میزان موفقیت، شیوه حرکت و برخورد با آزادسازی یا Liberalization نیز تا حدود زیادی مدیون برداشت‌های اهل نظر از این واژه بوده و لذا نتایج متفاوتی را به دنبال داشته است.

آنچه در این مقاله مطرح می‌شود، موضوع سخنرانی نویسنده در مرکز آموزش مدیریت دولتی استان تهران است که پس از آرایه به منظور تدوین دیدگاه‌ها به صورت مکتوب آرایه می‌شود. بی‌شک، فضای تدریس و سخنرانی، تفاوت‌هایی با فضای نگارش دارد و چون یادداشت‌هایی از متن سخنرانی در

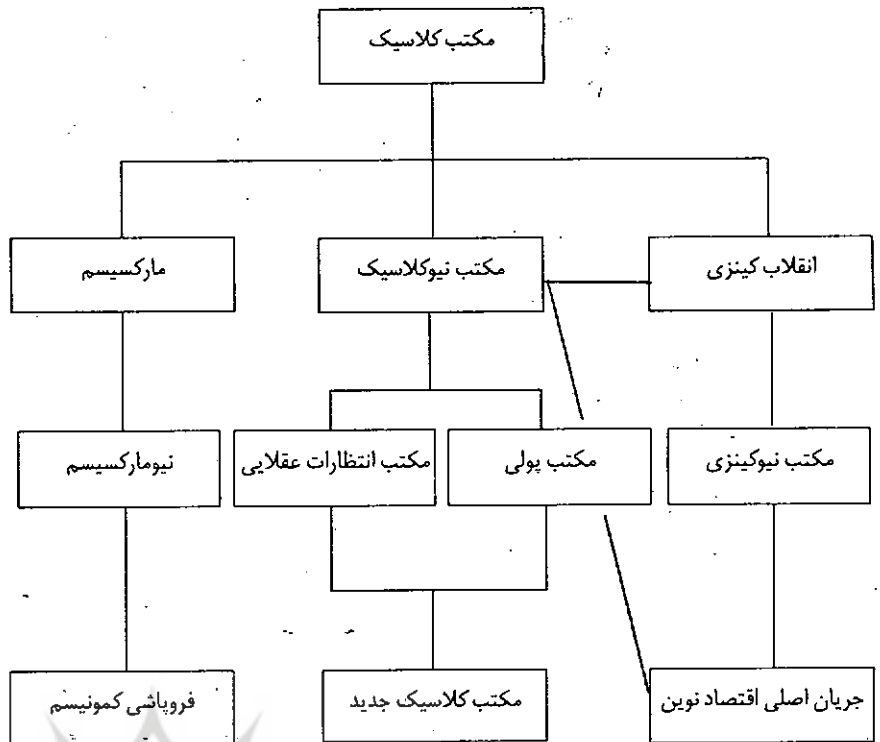
این نارسایی در ساختارهای کشورهای در حال توسعه و صنعتی قابل رؤیت است. از اینرو، با شناختی که از رابطه بین سیاست و دولت مطرح می‌شود، وظیفه آزادسازی دولت از تصدی‌های غیر ضرور یک الزام در جهت بهینه نمودن فرآیندها به شمار می‌رود. عدم توانایی دولت در حل بحران فوق ناشی از این حقیقت است که دولت در معنی عام کلمه، نماینده واقعی مردم نبوده و نماینده احزاب سیاسی و بهتر بگوییم نماینده گروه‌های سیاسی حاکم بر نظام اجتماعی به شمار می‌رود. این معضل نمایانگر این حقیقت است که برخی از افراد صرفاً از روی بی‌تفاوتی یا پذیرش منفعلانه از دولت اطاعت می‌کنند^(۸). این شیوه حاکمیت دولت در شرایطی که انسان موجودی خودخواه جلوه می‌کند، زمینه موفقیت دولت را در انجام امور با مشکل روبرو می‌سازد. بدین جهت، کوچک کردن دولت مناسب‌ترین راه برای حرکت به سوی آزادسازی است. طبیعی است که شیوه‌های کوچک‌سازی صرفاً مبتنی بر خصوصی‌سازی، در شرایطی که انسان‌ها به دنبال منافع شخصی (Self Interest) هستند، با محدودیت‌هایی روبرو خواهند بود.

مطالعات نویسنده نشان می‌دهد که مدیریت اقتصادی جامعه در شرایط حاکمیت بازار، ساده‌تر از شرایط حاکمیت دولت نیست و اداره امور جامعه در شرایطی که ساخت جامعه "مال‌اندوز" است، با معضلات بیشماری روبرو خواهد بود، لذا عدم توجه به واقعیت‌ها می‌تواند در بروز بحران‌ها مؤثر واقع شود و نتایج نامطلوبی را پدید آورد.

انسان و جامعه

شخصیت انسان در جامعه مال‌اندوز و جامعه سالم از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است. فلسفه لذت‌جویی در ماهیت رفتار انسان در این دو جامعه متفاوت، نتایج متفاوتی را به دنبال دارد. ویژگی‌های انسان نشان می‌دهد که اولاً، رفتار انسان جهت و هدف دارد و در ثانی، رفتار انسان مبتنی بر نیاز است. طبیعی است که نظریه انسان تک‌انگیزه‌های یا انسان اقتصادی با محدودیت روبرو است، لذا عوامل انگیزشی متعددی سلسله مراتب نیازهای انسان را شکل می‌دهند.

دیدگاه F. Herzberg (۱۹۶۶) مبتنی بر تلاش انسان برای حفظ وضع موجود و عوامل ایجاد کننده انگیزش، با این کاستی روبرو است که عوامل فرهنگی و روانی در رفتار انسان موجب می‌شوند که انسان به دنبال کسب موفقیت پیوسته در تلاش باشد. نظریه برابری (Equity Theory) در رفتار سازمانی



(Acquisitive) و جامعه سالم (Functional) تمایز قابل است^(۶). این ساختارهای متفاوت دولت را در اجرای سیاست با معضل روبرو ساخته‌اند. لازم به ذکر است که واژه مشروعیت (Legitimacy) به معنی قانون، با کلمات قانونگذار و قانونگذاری هم‌ریشه است. بنا بر این، بحران مشروعیت برای دولت به منزله عدم توانایی قوانین در حفظ عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است. برای مثال، "قانون حداقل دستمزد" تلاش برای ارتقای سطح معیشت کارگران و تعیین نرخ دستمزد ساعتی قابل پرداخت توسط پنگاه است، حال آنکه دستمزدهای اسمی (Nominal) منعکس کننده دستمزدهای واقعی (Real) نبوده، همچنانکه قیمت‌های اسمی منعکس کننده قیمت‌های واقعی نمی‌باشند. لذا در عمل، قانون حداقل دستمزدها اهرم بازدارنده سطح از تقای معیشت کارگران به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، در بیانیه‌های رسمی خط فقر چند برابر حداقل دستمزد کارگران^(۷) اعلام می‌شود.

این تعارض بحران مشروعیت دولت در شناخت رابطه منطقی بین عوامل زیر می‌باشد:

- ۱- خط فقر.
- ۲- بهره‌وری عوامل تولید.
- ۳- حداقل دستمزد.
- ۴- استعمارزدایی نیروی کار.
- ۵- تعادل در بکار کار.

دولت در تحلیل نیوکلاسیک سازمانی است دارای قدرت برتری نسبی در محدوده مرزهای جغرافیایی که برای مردم مالیات وضع می‌کند و حقوق مالکیت را مشخص می‌سازد و ضمانت اجرایی اعمال آن حقوق را به عهده می‌گیرد.

دولت و سیاست

با آنچه در تگاهی به آزادسازی مطرح شد، این ضرورت ایجاد می‌شود که رابطه سیاست و دولت را مشخص کنیم. نظریه پردازان معتقدند^(۵):

الف) جوهر سیاست در دولت آشکار می‌شود.
ب) عرصه سیاست گسترده‌تر از عرصه دولت است.

تضاد نظری این دو بیانیه نشان می‌دهد که سایر نهادها در کنار دولت عرصه سیاست را در اختیار گرفته‌اند و با وجود نشأت گرفتن سیاست از میدا

دولت، اما دامنه تأثیرات گسترده‌تر از عرصه دولت است. صرف نظر از تداخل معنی در واژه‌های مختلف

State, Estate, Realm, Common Wealth و ... هابرماس معتقد است که دولت سرمایه‌داری معاصر گرفتار بحران مشروعیت شده است. این اظهار نظر بدان معنی است که دولت در تأمین بهزیستی شهروندان مشکل دارد. اساس این بحران می‌تواند ناشی از نگرش جامعه باشد، آنچنان که Tawney (۱۹۲۱) میان جامعه مال‌اندوز

نشاندنده احساس برابری و عامل انگیزش از سوی انسان است. انسان به منظور دستیابی به هدف برداشت‌های متفاوتی از جامعه و محیط برای خود قابل است^(۹).

طبیعت مسوولیت‌پذیری و وجدان کاری به منزله مشخصه‌های مثبت حضور انسان در جامعه است. دیدگاه رانت طلبی (Rent Seeking) و انتقاد G. Becker (۱۹۸۹) به موضوع دست نامرئی آدم اسمیت، وجود گروه‌های منفعت طلب (Interest Group) را در جامعه هشدار می‌دهد^(۱۰). با وجود این، وظایف دولت در جهت فقرزدایی، مقابله با انحصار، ایجاد امنیت و حفظ محیط زیست اجتناب‌ناپذیر است. قابل توجه اینکه مفهوم مطلق فقر - حداقل معیشت برای زنده ماندن، در برابر فقر نسبی نسبت به گروه‌های مختلف جامعه - حساسیت رابطه انسان و جامعه را برای برقراری عدالت و سازماندهی جامعه از طریق مشروعیت دادن به دولت برای بهزیستی شهروندان اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

به عبارت ساده‌تر، دولت سازماندهی رابطه بین انسان و جامعه را در چارچوب تقسیم کار و منابع عهده‌دار است. هدف دولت از این سازماندهی، همانا تأمین رفاه مردم و ایجاد امنیت برای کلیه آحاد جامعه است. طبیعی است که اصل کمیابی منابع از یکسو، و زیاده‌خواهی مردم از سوی دیگر، شرایط حاکمیت و مشروعیت قانونگذاری را با دشواری روبرو می‌سازد و انسان نیز در حوزه‌های سیاست، مذهب، اقتصاد و اجتماع ابعاد رفتاری متفاوتی از خود نشان می‌دهد.

رابطه بین نیازهای مادی و معنوی انسان رابطه میان دین و اقتصاد است که Jacob Viner (۱۸۹۲-۱۹۷۰) در کتاب "نقش الهیات در نظام اجتماعی - ۱۹۷۲" به بررسی آن می‌پردازد. ملاحظه می‌کنید که چگونه عرصه سیاست گسترده‌تر از عرصه دولت، مردم را به نظام‌های اجتماعی پیوند می‌زند.

در برخورد بین طبقات اجتماعی نیز گاه مانند مارکس لازم است که به ستیز میان طبقات سرمایه‌دار و کارگر مشغول شویم و گاه این ستیز میان بازرگانان و تکنوکرات‌ها (Veblen/ ۱۸۵۷-۱۹۲۹) شکل می‌گیرد. حساسیت وجود دولت در بر لمرف کردن این بحران‌ها و سازماندهی نظم اجتماعی، موضوع برخورد تشکیلاتی با دولت است، تشکیلاتی که در اثر مرور زمان خود به یک طبقه اجتماعی تبدیل شده و مردم در تضاد با این طبقه برای آزادسازی تلاش می‌کنند. حمایت از مردم برای آزادسازی از سوی جامعه جهانی و با استفاده از دانش فنی موجود در جامعه (ارتباطات) میسر شده و دولت محکوم به "تأمین بهزیستی مردم است، آنچه ارسطو ۳۵۰ سال قبل از میلاد بر آن صحه

گذاشت.

از دیدگاه John Harvey، انسان از دو مزیت برخوردار است: اول آنکه، در رویه‌های رفتاری آزادی عمل دارد؛ دوم، سرعت انجام کارهایش توسط دیگران القا نمی‌شود و انسان پذیرای افزایش کارایی در مقابل افزایش دستمزد می‌باشد.^(۱۱)

بدین ترتیب، انسان آزاد، جامعه طبقاتی، دولت مقتدر در برابر دانش فنی تولید، و نظام بین‌المللی مقید به اصلاحات است، اصلاحاتی که با آزادسازی آغاز می‌شود و دولت با کاستن از وظایف خود، تعادل را به جامعه باز می‌گرداند. همکاری با دولت در جهت حذف این تصدی‌ها - وظایف غیر ضرور - نیز از سوی کلیه آحاد جامعه الزامی است تا شرایط ارتقا و رفاه برای عموم مردم در کلیه طبقات فراهم آید. بنابراین، شرط آزادسازی، حذف فعالیت‌هایی است که زمینه بهبود و افزایش کارایی را به دنبال داشته باشند.

انسان‌های با شخصیت سالم و مولد

○ مدیریت اقتصادی جامعه در شرایط حاکمیت بازار، ساده‌تر از شرایط حاکمیت دولت نیست.

○ تا زمانی که جایگاه انسان در میان عوامل تولید ارتقا نیابد، امید به موفقیت و عبور از مرحله توسعه‌نیافتگی آملدی واهی خواهد بود.

(Eric Fromm) بنیانگذاران این تحول اجتماعی محسوب می‌شوند و می‌توانند پیشگامان آزادسازی به شمار آیند^(۱۲).

انسان و سازمان

انسان به عنوان مهمترین عامل تولید، در مقابل نظام‌های اجتماعی - اقتصادی حاکم بر سازمان به اشکال مختلف قابل ارزیابی است. از یکسو، اثربخشی نظام‌ها (Systems) بر انسان موضوع قابل بررسی می‌باشد و از سوی دیگر، تأثیرگذاری انسان بر تحولات نظام‌ها موضوعی قابل تعمق است.

اثربخشی نظام‌ها در صورتیکه خواص سازگاری (Consistency) و شرایط دستیابی به بهینه (Optimality) را در برداشته باشد، آنگاه انسان خود را با شرایط سازمان سازگار می‌کند و تحولات مثبت ارزیابی می‌شود، اما اگر نظام فاقد خواص فوق باشد، و به عبارتی، عوامل ناسازگاری و عدم تعادل در آن موجود باشد، آنگاه اثربخشی سازمان بر نیروی انسانی نه تنها مثبت ارزیابی نمی‌شود، بلکه فرآیند تحولات

منعکس‌کننده نیازها نخواهد بود.

برعکس، اگر سازمان خواص پویایی رشد را داشته باشد، آنگاه نقش انسان‌های سازنده و مولد در تحولات ساختار کاملاً قابل رؤیت است. ابعاد اثربخشی با اندازه سازمان و جایگاه انسان در آن تغییر می‌کند. مقاومت در برابر تغییر و تحول در تشکیلات اداری دو عامل مهم در فرآیند آزادسازی هستند. برای مثال، آنگاه که در خصوصی‌سازی با شکست روبرو می‌شویم، بحران در عدم آزادسازی قبل از اجرای سیاست خصوصی‌سازی است. به عبارتی، از یک بخش خصوصی عقیم انتظار پویایی و تحول داریم. این بیماری ناشی از وابستگی مادی و معنوی بخش خصوصی به بخش دولت است. در حقیقت، بخش خصوصی از محل یارانه‌های دولت سرپا ایستاده و برای تصمیم‌گیری نتوانسته مستقل عمل کند.

آموزش بخش خصوصی برای رقابت و تجدید حیات اقتصادی، خود زمان براست و پرهزینه، لذا باید این فرصت را به بخش خصوصی داد تا برای بازیابی توان واقعی خود، بسترهای لازم را فراهم آورد. جایگاه انسان در اثربخشی و ایجاد تحول، در بخش‌های دولتی خصوصی‌سازی شده، چندان روشن نیست و نمی‌توان به سهولت آن را مورد ارزیابی قرار داد. معضل اصلی نیز عدم شناخت جایگاه انسان در فرآیند تحولات اجتماعی است.

اتکای انسان به سازمان به دلیل تعریف گنگ و مبهم سازمان از انسان است. به عبارتی، انسان محور توسعه به شمار نمی‌رود، و عدم مولد بودن انسان، سازمان را به ورطه نابودی سوق می‌دهد. این سازمان می‌تواند یک خانواده باشد، یا یک دولت. در هر صورت، جایگاه انسان را باید از تعریف به فعل درآورد. این تحول و دگرگونی قبل از اینکه وظیفه یک نهاد یا یک مجموعه از انسان‌ها باشد، لازم است به صورت تقاضا از درون جامعه بروز نماید. آنگاه، واکنش نهادها نسبت به این آگاهی و شناخت می‌تواند اثربخش باشد. بنابراین، آزادسازی تنها در حوزه مقررات‌زدایی و حذف تصدی‌های غیر ضرور محدود نمی‌شود و سازمان‌ها باید جایگاه انسان را در شرایط آزادسازی محترم شمرده، کارایی و اثربخشی انسان را در سازمان تقویت نمایند. در واقع، نویسنده بر این باور است که آثار آزادسازی تنها به خصوصی‌سازی محدود نمی‌شود و تا زمانی که جایگاه انسان در میان عوامل تولید ارتقا نیابد، امید به موفقیت و عبور از توسعه‌نیافتگی یک امید واهی به شمار می‌رود.

تصدی‌های غیر ضرور

- آنچه محور اساسی این گفتمان را تشکیل

- ۲) ساختار جامعه.
- ۳) بخش خصوصی.
- ۴) سرمایه‌های انسانی.
- ۵) نهاد دولت.

آزادسازی متأثر از مقررات‌زدایی و شکاف دیدگاه‌های روشنفکران و مدیران اجرایی (اقتصاد رفاه و اقتصاد اثباتی)^(۱۴) روی کل نظام تأثیرگذار است. مقررات‌زدایی با اثربخشی روی تجارت آزاد، جذب سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌های انسانی و شکاف اقتصاد رفاه و اقتصاد اثباتی با اثربخشی روی شکاف صادرات و واردات (تجارت آزاد)، ساختار جامعه را دگرگون خواهد ساخت. مکانیسم اثربخشی احترام به مالکیت، تسریع‌کننده و آماده‌ساز تحول در سرمایه‌های انسانی از طریق رقابت است.

ساختار جامعه با اثرگذاری بر روی دولت، بخش خصوصی و جذب سرمایه‌های جهانی از یک سو و تأثیر فاصله اقتصاد رفاه با اقتصاد اثباتی بر انحصار دولتی از سوی دیگر، شرایط را برای بهبود کیفیت مقررات‌زدایی فراهم می‌سازد. اثربخشی دو جانبه بخش خصوصی و دولت بر یکدیگر، و تأثیر آنها بر روابط بین‌المللی در دهکده جهانی شاخص‌های کیفیت مقررات‌زدایی را افزایش می‌دهد.

مفهوم شاخص‌های کیفیت مقررات‌زدایی، اثربخشی مقررات‌زدایی در فرآیند بهره‌وری عوامل تولید، در بخش‌های مختلف اقتصادی است^(۱۵). این شاخص با اثرگذاری روی جامعه، به صورت پویا کلیه نهادها را برای رویارویی با رقابت آماده می‌سازد. نمودار آزادسازی به نحو مطلوبی این اثرگذاری‌ها را نشان می‌دهد.

کردن نهاد دولت روبرو است. طبیعی است که دولت برای اعتبار دادن به ورشکستگی این‌گونه بنگاه‌ها، به اقتصاد پنهان و تزریق سرمایه‌های اسمی و ایجاد تقاضای کاذب روی خواهد آورد، که هر یک به تنهایی می‌تواند ساختار اقتصادی را از تعادل دور و دورتر سازد.

بدین ترتیب، کاستن از تصدی‌های دولت به منظور بازگشت اقتدار و هویت به ارکان دولت و تقویت بخش خصوصی برای رویارویی با رقابت‌های منطقه‌ای است. این حرکت، در واقع، یک راهکار چند منظوره در جهت اهداف زیر می‌باشد:

- الف) تقویت دولت در حوزه سیاستگذاری.
- ب) تقویت بخش خصوصی در جهت افزایش شاخص بهره‌وری جامع.
- پ) نگرش مثبت به محوری بودن نقش انسان در مسیر توسعه.
- ت) بهبود شرایط برای حضور مؤثر در عرصه تجارت جهانی.

مدیریت آزادسازی دولت از تصدی‌های غیرضرور، خود کار چندان ساده‌ای نبوده و در فرآیند انتقال فعالیت‌ها آثار جانبی عیدیه‌ای روی خواهد داد که توجه به هر یک از آنها زمینه موفقیت را در امر سیاستگذاری تقویت خواهد کرد.

عوامل مؤثر در فرآیند

عوامل مؤثر در فرآیند آزادسازی را می‌توان در اشکال مختلف طبقه‌بندی کرد. نهادهای مهم درگیر با موضوع عبارتند از:
۱) ساختار اقتصاد جهانی.

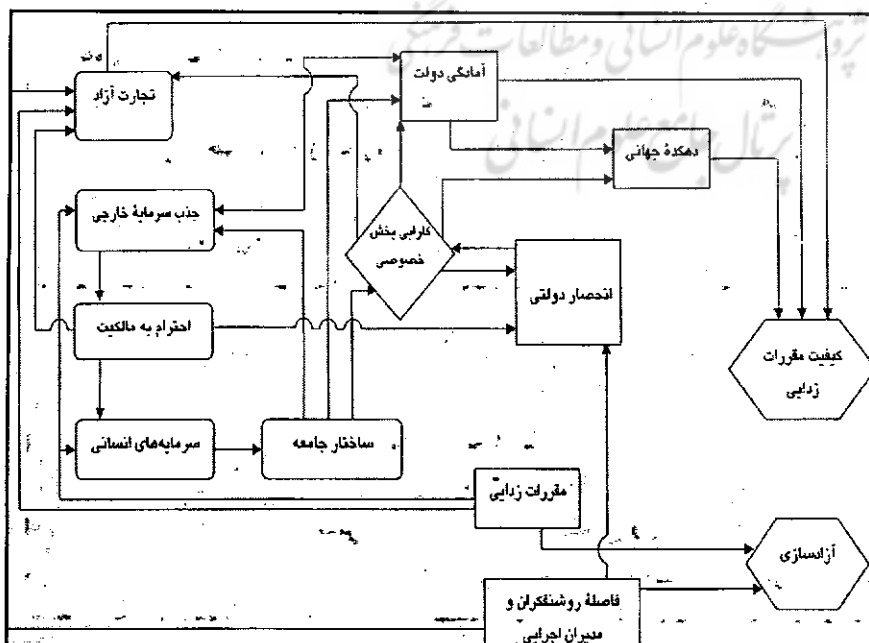
می‌دهد، همانا شناخت تصدی‌های ضرور و تمیز آنها از فعالیت‌های غیرضرور دولت است. درک صحیح از موضوع نیز تنها به توانایی بخش خصوصی برای تقبل مسوولیت و انجام امور به نحو مطلوب خلاصه نمی‌شود، بلکه دولت هم باید به منظور حفظ عدالت و محرومیت‌زدایی و ایجاد تعادل در ساختار اقتصاد، بخش خصوصی را بسیج نماید. به عبارتی، دولت به عنوان عامل سیاستگذار می‌بایست با توجه به قوانین حاکم بر بازار و اصلاح انحصارگرایی و توجه به توزیع، زمینه رفاه بهتر مردم را در یک نظام اقتصاد آزاد فراهم آورد.

طبیعی است که بیشتر فعالیت‌های دولت قابل انتقال به بخش خصوصی است و شیوه مهندسی خصوصی‌سازی با توجه به انعکاس رفتار بنگاه‌های ذیربط در جوامع مختلف متفاوت است و نتایج هم قابل ارزیابی دقیق نیست. اما از آنجا که آزادسازی یک الزام جهانی به شمار می‌رود و هدف از آن استفاده مطلوب از نهادهای کمیاب در صحنه‌گیری است، و از سوی دیگر، عملکرد نه چندان موفقیت‌آمیز دولت‌ها در دستیابی به توسعه امری شناخته شده می‌باشد، بنابراین، خصوصی‌سازی به صورت یک امر اجتناب‌ناپذیر در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است.

قانون ضدانحصار در عرصه قانونگذاری دولت، محوری‌ترین حرکت برای حمایت از آزادسازی و پویایی خصوصی‌سازی است^(۱۶). لذا مقررات‌زدایی اگرچه در جهت فضا سازی تلاش کارفرمایان و گسترش حوزه کار و فعالیت بخش خصوصی زمینه سرمایه‌گذاری‌های جدیدی را فراهم می‌سازد، اما به منظور جلوگیری از انتقال انحصار دولت به انحصار بازار، قانونمندی‌های نوین ضدانحصار الزامی است. چگونگی حرکت و نظام‌مندی این روند محتاج تحقیق و شناخت میدانی است.

آگاهی بر تصدی‌های غیرضرور یا فاصله گرفتن دولت از انجام کارهای اقتصادی ممکن توسط بخش خصوصی، با انتقال قدرت تصمیم‌گیری و مسوولیت‌پذیری مدیران بخش خصوصی، وحدت ملی را تقویت می‌کند و دولت را به سمت سیاستگذاری‌های کلان مالی و پولی هدایت خواهد کرد. بنابراین، موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های مالی و پولی، مهمترین رکن سیاستگذاری دولت در حوزه اقتصاد است.

در واقع، انگیزه بخش خصوصی برای پاسخگویی به واکنش‌های عرضه و تقاضا با حذف بنگاه‌ها و ادغام آنها پویایی سرمایه‌های مادی و معنوی را تشدید می‌کند، در چالیکه شکست سازمان‌های اقتصادی تحت پوشش دولت با بی‌اعتبار



اثربخشی

تأثیر آزادسازی دولت از تصدی‌های غیر ضرور بر فرآیند کل اقتصاد ملی مثبت ارزیابی می‌شود، به طوریکه انتظار عقلایی این است که از این طریق، عدم توازن‌های موجود در ساختار جامعه به تدریج به سوی هنجارهای مطلوب بازگردد. حذف تصدی‌های غیر ضرور، به معنای هویت بخشیدن به دولت و اصلاح ابعاد دولت است، دولتی که به دلیل حرکت در جهت ارزش‌های اسمی (Nominal Values) و فاصله گرفتن از ارزش‌های حقیقی (Real Values)، ابعاد نامطلوبی را در طی پنجاه سال گذشته به خود گرفته است.

آزادسازی، تحقق آرمان‌گرایانه توجه به انسان‌های مولد و با شخصیت‌های سالمی را در بر می‌گیرد که مسوولیت پذیرش هدایت اقتصاد را از طریق رقابت سازنده عهده‌دار می‌شوند. آزادسازی دولت، در واقع، همسویی با روح پیوستن به تجارت جهانی و بهره‌گیری مطلوب از مزیت‌های رقابتی عوامل تولید می‌باشد.

منابع

۱) عبیری، غلامحسین / ۱۳۷۹ / آزادسازی:

نظریه‌ها، روش‌ها و کاربردها / مؤسسه فرهنگی هنری
 ثمین / تهران.
 2) Warhane, Patricia, H. / 1991 / Adam Smith and his Legacy for Modern Capitalism / Oxford Univ Press.
 ۳) تفضلی، فریدون / ۱۳۷۵ / تاریخ عقاید اقتصادی / نشر نی / چاپ دوم.
 ۴) متوسلی، محمود / ۱۳۷۳ / خصوصی سازی یا

○ بحران مشروعیت برای دولت به منزله عدم توانایی قوانین در حفظ عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است.

ترکیب مطلوب دولت و بازار / مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

5) Vincent, Andrew, / 1987 / Theories of State / Oxford Basil Blackwell
 (ترجمه بشیریه - حسین / نشر نی / ۱۳۷۶)
 6) Tawney, R.H / 1921 / The Acquisitive Society / London: G.Bell.
 7) Pearce, D.W / 1986 / Mac Millan

Dictionary of Modern Economics / P. 275.
 ۸) مراجعه شود به Vincent، نظریه‌های دولت.
 ۹) کوکلان، هوشنگ / ۱۳۵۸ / رفتار سازمانی / انتشارات دانشگاه تهران.
 10) Becker, Gary / 1989 / Political Competition Among Interest Group; in the Political Economy of Government Regulation / ed. by J.F. Shorgren - Kluwer Academic Pub.

11) Harvey, Jones, John / 1994 / All Together Now / Heinemann: London.
 ۱۲) ساعتچی، محمود / ۱۳۷۴ / روانشناسی کاربردی برای مدیران / نشر ویرایش.
 ۱۳) مراجعه شود به Monopolies & Restrictive Act / دیکشنری اقتصادی / سیاست‌های رقابتی / صفحه ۲۸۵.
 ۱۴) مراجعه شود به معانی Normative Economics و Positive Economics / مأخذ شماره ۷.
 ۱۵) طاهری، شهنام / ۱۳۸۰ / بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها / چاپ دوم / نشر هستان.



بانک و اقتصاد
BANK VA EGHTESSAD

تاریخ

برگه اشتراک

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن:

تحصیلات:

شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مشترک گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای شش ماه ۱۸۰۰۰ ریال و برای یک سال ۳۶۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران / ۱۳۱۵۵-۵۵۲۸